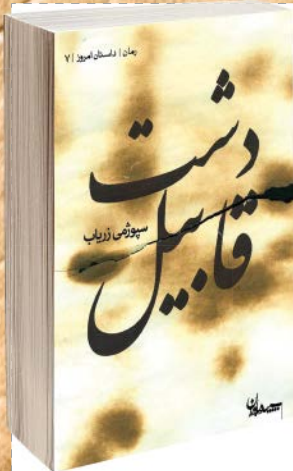
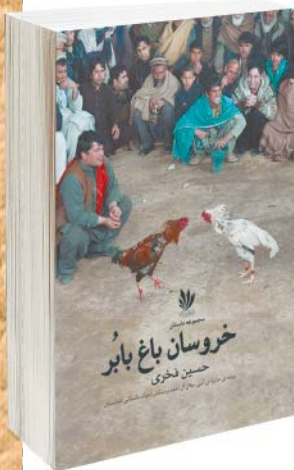


## بیگانه، بیگانه است

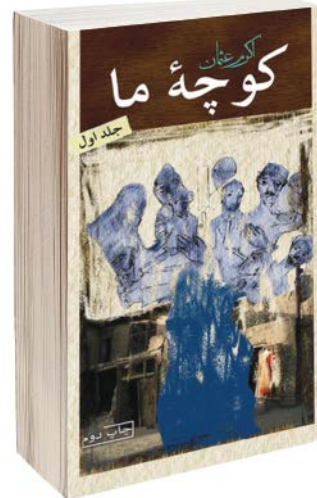


سپوژمی زریاب، از زنان نویسنده اهل افغانستان است. او در کابل به دنیا آمده، پدری با شغلی متفاوت و زندگی در یک خانواده افغان. او تحصیلاتش را در فرانسه پی گرفت. از این نویسنده آثاری مانند «در کشوری دیگر» از او در ایران منتشر شده است. مجموعه داستان «دشت قابیل» روایت داستانی حماسی و در عین حال تاریخی از وضعیت افغانستان در دهه ۶۰ است. این اثر از مجموعه داستان‌های کوتاهی تشکیل شده که زریاب در آن رشادت‌های مردم افغانستان را در عین سختی و تلخی روزگار، در مقابله با نیروهای مهاجم روس بیان می‌کند. داستان‌های این مجموعه که به زبان دری نوشته شده و لذت بسیار زیادی در خواننده ایجاد می‌کند راوی حماسه‌های جوانان افغان در برابر دشمن است. یکی از نکات مهم در شیوه نگارش زریاب، حفظ روحیه ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه وی است که در قالب جملات و واژگانی که بار حماسی دارند روایت می‌شود. تنوع درونمایه‌های داستانی در کنار انسجام داستانی سبب می‌شود تجربه تازه‌ای در خواندن به خواننده دست دهد.

## شیرین و کهن



باغ بابُر یک باغ تاریخی و تفریحی و نیز آرامگاه بابر پادشاه گورکانی است که در شهر کابل موقعیت دارد. حسین فخری، از داستان‌نویسان صاحب سبک ادبیات افغانستان مجموعه داستانی با عنوان «خروسان باغ بابُر» دارد که در آن با زبانی شیرین و البته بهره‌گیری از روایت‌های کهن فضایی تازه و جذاب از افغانستان را در داستان‌هایش خلق کرده است. او در داستان‌های این کتاب روایتی از زندگی و آداب و رسوم حاکم بر زندگی مردم افغانستان و شهر کابل ارائه کرده است. فضای بومی داستان‌ها و همنشینی آنها با زبان فارسی تجربه‌ای تازه از مواجهه با ادبیات افغانستان برای مخاطب فارسی‌زبان فراهم آورده است. فخری از نویسندگانی است که موضوعات خود را از کف جامعه بیرون می‌کشد و با نگاهی جامعه‌شناسانه سعی بر نمایش زندگی دارد. فخری مخاطبان‌ش را با زبان فارسی و همچنین لایه‌های زندگی اجتماعی در افغانستان آشنا می‌کند. از آو آثاری مانند «اهل قصور» و همین کتاب که معرفی شد در ایران منتشر شده است. آثاری که از بسیاری از آثار نویسندگان ایرانی بالاتر و موفق‌تر است و شاید اگر درست به مخاطب معرفی می‌شدند موقعیت بهتری در میان مخاطبان فارسی‌زبان داشتند.



یدارهای متعددی با رهبر انقلاب داشتیم و یک جلسه هم بود و تقریباً یک ساعت و نیم طول کشید و حرف‌های زیادی من ما پس از افطار به همراه شهرام شکیبا و باقی دوستان به حیاط شدند. به ما که رسیدند، احوال من را پرسیدند و سراغ من را گرفتند. بعد هم دست من را گرفتند و همراه خودشان به در راه پرسیدند: آقای کاظمی کجا هستید؟ گفتم: مشهد. این جلسه آمدند؟ گفتم: اطلاع ندارم و ایشان را ندیدم. از دوستان افغانستانی را گرفتند و بعد سراغ یک رمان را دادند: اخیراً یک افغانستانی مقیم نروژ آن را منتشر کرده که صدا کرده است.

که داشتیم، سال‌های سال در افغانستان زندگی کردم و نتان را خیلی دقیق دنبال می‌کنم.

عثملا رمان «بادبادک باز» خالد حسینی را می‌گویید؟ ایشان فرمودند:

را خوانده‌ام. بعد گفتم: شاید «از سرزمین آفتاب» را می‌گویید که آن هم خیلی سرو صدا کرده

بودند: نه! اسم آن رمان «از سرزمین آفتاب تابان» است. آن رمان را هم خوانده‌ام. فرمودند که یک نویسنده

نوشته، که خیلی هم قطور و مفصل است و کاظمی هم آن را ویرایش کرده است.

؛ اگر باشد من حتما در ذهنم دارم. بعد از ایشان پرسیدم: شما خودتان اسم نویسنده را یادتان نمی‌آید،

داشتند.

جلسه که تمام شد، به کاظمی زنگ زدم و گفتم: این چه رمانی است که جدیداً منتشر شده و شما ویراستاری کردید؟

گفت: شما از کجا فهمیدید؟

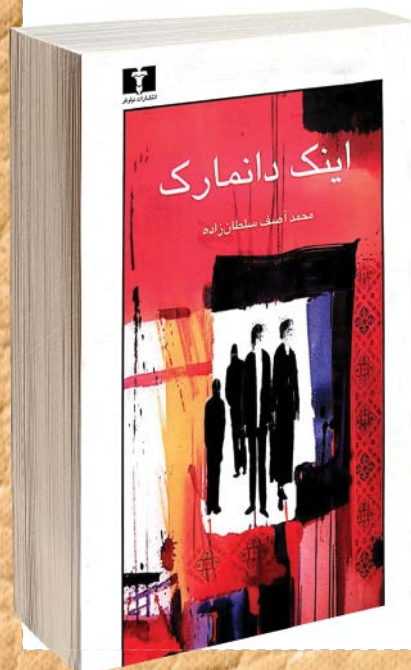
گفتم: آقا به من فرمودند.

گفت: این رمان هنوز توزیع نشده! یک رمانی هست اثر اکرم عثمان، نویسنده بزرگ افغانستانی که در نروژ ساکن است و حدود ۳۰۰۰ صفحه است و من ویرایش کردم اما هنوز این کتاب در ایران منتشر نشده است.

گفتم: حضرت آقا فرمودند که من آن کتاب را خواندم، که کاظمی خیلی متعجب شد.

این ماجرا درباره رمان «کوچه ما» اثر نویسنده شهیر افغانستان، اکرم عثمان است. این اثر روایتی از نیم‌قرن تاریخ کابل با زبان داستان است. اثری که در آن آداب و رسوم و رفتارهای عامیانه در کنار یک جامعه‌شناسی تحلیلی خواننده را در بطن واقعیت قرار می‌دهد. این رمان را انتشارات عرفان منتشر کرده است.

## صدای مهاجرت



محمد آصف سلطان‌زاده یکی از آن صداهایی است که در ادبیات افغانستان در میان مخاطبان ایرانی کمتر شنیده شده و آثارش خوانده شده است. او با آثار بسیاری که مورد توجه منتقدان قرار گرفته از جمله نویسندگان فعال افغانستانی است که بسیاری از آثارش نیز در ایران منتشر شده است. «اینک دانمارک» یکی از آثاری است که در سال‌های قبل از این نویسنده منتشر شده است. مجموعه داستانی با محوریت مهاجرت، مهاجرتی که جنگ و تجاوز به بسیاری از افغان‌ها تحمیل کرده بود و آنها را از دیار خود خارج کرد. اغلب داستان‌های این کتاب در موقعیت وسایل نقلیه و یا توقفگاه‌های آنها روی می‌دهد. ایستگاه اتوبوس، فرودگاه، داخل وسایل نقلیه و... فضاهایی است که داستان‌ها در آنها اتفاق می‌افتد. این بی‌مکان بودن و پیوسته در جابه‌جایی و خانه‌به‌دوش بودن شخصیت‌های داستان را نشان می‌دهد که اشاره‌ای به افغان‌های مهاجر دارد که پیوسته در حرکت هستند و توقفی برای خود متصور نیستند. در واقع این موقعیت‌ها به خواننده می‌گوید مهاجرت مساوی با رسیدن به آرامش نیست بلکه ابتدای آوارگی و دوری از وطن است. این مجموعه داستان صدایی متفاوت از ادبیات مهاجرت است و خواننده در آن تصویری تکرارنشده از نویسنده در روایت مهاجرت را به تماشا می‌نشیند.



شود با تمام آثارش معرفی شده است. «سیاسر» (در افغانستان با اشعاری که برای کودکان است. اما «از یاد رفتن» این شرایط حاکم بر این کشور است. صه از آنجا آغاز می‌شود که از خانه خارج می‌شود تا هم ن‌کند. در واقع این داستان داستان‌ها تا با شرایط کشوری و اتفاقات است، جزئیاتی شخصیت پیرمرد است. به دنبال خود می‌کشاند. خواننده‌ای بتواند یک روز در ن تصمیماتی که برای این